

شرق؛ گذشت زمان ، هم موعد قطعیت تصمیم شورای امنیت درباره ادعای ماشه‌ای آمریکا، هم انتخابات ریاست‌جمهوری این کشور و هم موعد لغو تحریم‌های تسلیحاتی ایران طبق قطع‌نامه ۲۲۳۱ سازمان ملل متحد را نزدیک می‌کند. ازاین‌رو اگر اتفاقی بنا باشد در این زمینه‌ها بیفتد، زمان رخداد آن در همین روزهای پیش‌روست و به‌همین‌دلیل به نظر می‌رسد طرف‌های درگیر در این چالش‌ها در حال قرارگیری در موقعیت و ارسال پیام‌های لازم هستند. معاون وزیر خارجه ایران در نشست شورای حکام، به تبیین مواضع ایران پرداخت و گفت نمی‌توان از ایران انتظار رعایت تکلیف بدون برخورداری از حقوق را داشت و دوام برجام را بسته به جامعه بین‌المللی و طرف‌های کنونی برجام خواند. این موضع‌گیری در حالی مطرح شد که روز قبل، تروئیکای اروپایی نیز بیانیه‌ای در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای بر مواضع خود درباره حفظ برجام و هم‌زمان نارضایتی از کاهش تعهدات ایران در این زمینه تأکید کرده بود. از طرف دیگر، درحالی‌که چندی است برخی گمانه‌زنی احتمال اقدام نظامی آمریکا علیه ایران را با توجه به نزدیکی انتخابات مطرح می‌کنند و رئیس‌جمهور آمریکا نیز بار دیگر به تهدید ایران در توییت پرداخته، نماینده ایران در نامه‌ای به دبیر کل سازمان ملل متحد، اعتراض خود را به تهدیدهای رئیس‌جمهور ایالات متحده علیه ایران ابراز کرد و نیز با توییتی دراین‌باره هشدار داد. از سوی دیگر و در همین رابطه، نماینده روسیه نیز تلاش‌های آمریکا را بی‌نتیجه خواند.

بهاروند؛ با پذیرش استدلال آمریکا حتی منشور سازمان ملل هم حفظ نخواهد شد
معاون حقوقی و بین‌الملل وزارت امور خارجه ایران طی سخنرانی در نشست شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با اشاره به گزارش اخیر مدیر کل آژانس مبنی بر همکاری ایران با این نهاد و ادامه فعالیت‌های راستی‌آزمایی آژانس بدون اخلال، گفت: «یک سؤال مهم در این میان مطرح است؛ اینکه آیا برجام و فعالیت‌های راستی‌آزمایی مطابق با آن می‌توانند با وجود فشارهای اعمالی آمریکا و موقعیت دشواری که درباره آن ایجاد کرده است، دوام بیابورن در خیر؟ پاسخ من به این پرسش، بله و خیر خواهد بود. همه چیز بستگی به جامعه بین‌المللی و طرف‌های کنونی برجام دارد». محسن بهاروند رویکرد آمریکا نسبت به ایران را «ستیزه‌جویانه» و «ایدئولوژیک» خواند و تأکید کرد آمریکا جایگزینی برای برجام و دیگر سازوکارهای چندجانبه‌ای که از آن خارج شده ندارد و تنها با «یک‌جانبه‌گرایی و زورگویی» به دنبال تحمیل خواسته‌های خود است.

او همچنین از سیاسی شدن بحث‌های دیپلماتیک در رقابت‌های انتخاباتی داخلی آمریکا و اثرگذاری تقابل‌های حزبی روی تعهدات خارجی آمریکا انتقاد کرد و گفت: «ایالات متحده اجازه ندارد به هر روشی قوانین و مقررات ملی خود را در سطح بین‌المللی با نادیده‌گرفتن مقررات حقوق بین‌الملل، اعمال کند. در صورت پذیرش استدلال ایالات متحده، هیچ توافق‌نامه بین‌المللی از جمله منشور سازمان ملل امکان حفظ‌شدن نخواهد داشت». بهاروند استاد آمریکا را به آنچه «موضوع



بهاروند در جریان دیدار با رئیس‌جمهور آمریکا در کاخ سفید

از نامه به سازمان ملل تا سخنرانی در شورای حکام

هشدارهای ایران

روانچی؛ مسئولیت هرگونه ماجراجویی آمریکا با خودشان است
بهاروند؛ دوام برجام بسته به جامعه بین‌المللی است

به‌اصطلاح اسنپ‌یک» می‌خواند «براساس یک تفسیر عجیب و غیرحرفه‌ای و قرائتی خودسرانه از قطع‌نامه ۲۲۳۱ شورای امنیت» دانست. او البته انتقادهایی نیز متوجه دیگر کشورها دانست: «اعتقاد داریم کشورهایی که در حرف وانمود می‌کنند مخالف یک‌جانبه‌گرایی هستند اما آنها را در عمل حمایت می‌کنند، به همان اندازه مسئول چنین بی‌ثباتی و آشوبی در روابط بین‌المللی هستند. من این پدیده را یک‌جانبه‌گرایی منفعل می‌نامم».

بهاروند ارتقای «قواعد و نظم بین‌المللی» را نیازمند مقاومت جمعی جامعه بین‌المللی در مقابل یک‌جانبه‌گرایی خواند و گفت: «در غیر این صورت، باید آماده ب‌ریدن به عقب و به دوران پیش از جنگ جهانی دوم باشیم».

هیچ توافق بین‌المللی‌ای بدون تناسب حق و تکلیف پایدار نیست

او در ادامه درباره برجام گفت: «ما به تعهدات خود در توافق پایبند هستیم، اما درعین‌حال برخورداری از حقوق مندرج در آن تقریباً غیرممکن است؛ بنابراین ایران در چارچوب توافق از حقوق جبران‌کننده خود استفاده می‌کند». بهاروند در ادامه گفت: «نمی‌توان از کشور من انتظار داشت که همه تکالیف برجام را رعایت کند، بدون آنکه از حقوق تعیین‌شده آن برخوردار باشد. هیچ توافق بین‌المللی‌ای بدون تناسب بین اجرای حق و تکلیف، نمی‌تواند برای مدت خیلی طولانی پایدار باشد. برجام نیز از این

گفت‌وگو با عباس منوچهری

برخی رژیم‌های اقتدارگرا، توسعه‌خواه بوده‌اند



عباس منوچهری، عضو هیئت‌علمی و استادتمام گروه علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس است.

عباس منوچهری، عضو هیئت‌علمی و استادتمام گروه علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس است. از او تاکنون کتب و پژوهش‌های متعددی به چاپ رسیده که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: **فراسوی رنج و رؤیا؛ روایتی دلالی - پارادایمی از تفکر سیاسی،** **رهبافت و روش در علوم سیاسی،** **شعر، زبان و اندیشه رهایی؛ هفت مقاله از مارتین هایدگر (ترجمه)،** **شریعتی؛ ملاقاتی این‌بار متفاوت،** **شریعتی؛ هرمنوتیک رهایی و عرفان مدنی و…،** **منوچهری در این گفت‌وگو بر این نظر است که اگر چه رابطه وثیقی میان اشکال اقتدار و توسعه وجود دارد،** **بااین‌حال هر شکلی از توسعه‌یافتگی ضرورتاً نمی‌تواند به‌معنای محدودکردن قدرت باشد. چه، در مدل سوسیالیستی (چین و ویتنام) یا مدل سرمایه‌دارانه (کره جنوبی و تایوان)،** **رژیم‌های اقتدارگرا نقش توسعه‌گری را بازی کرده‌اند.** **او توسعه را فرایند نام زندگی می‌داند که قابل تقسیم به حوزه‌های اقتصاد و سیاست و جامعه و فرهنگ و… نیست. منوچهری همچنین، در فرایند توسعه، شکل حکومت را نسبت به نقش شهروندان و عاملیت آنها در تصمیم‌گیری عاملی ثانوی می‌داند.** **مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه جهاد دانشگاهی در چارچوب تدوین مبانی نظری توانمندسازی حاکمیت، با همکاری روزنامه «شرق»،** **مروری بر نظریه‌های تبیین سیر قدرت در ایران‌ا داشته و پرسش‌هایی درباره لوازم مشروطه‌خواهی را به گفت‌وگو با صاحب‌نظران نهاده است.** **روزنامه «شرق» به‌صورت هفتگی دیدگاه صاحب‌نظران در این گفت‌وگوها را بازتاب می‌دهد.**

رابطه حکومت و توسعه، رابطه تک‌علتی وخطی نیست

در میان تبیین‌های تئوریک می‌توان به مقاومت شکستنده جان فوران و جامعه کلنگی کاتوزیان اشاره کرد. کاتوزیان بیشتر به جای جامعه‌شناسی تاریخی به روان‌شناسی اجتماعی که اساساً گفایت نظری برای معضل توسعه‌نیافتن را ندارد، پرداخته است. فوران اما هم از نظریه‌های تفسیری و هم از نظریه نظام جهانی وال‌رشتاین به‌خوبی به تبیین واقعیات تاریخی پرداخته است؛ اما هنوز ما نیازمند کارهایی با رویکرد میان‌رشته‌ای که از مردم‌شناسی تا جامعه‌شناسی تاریخی و اقتصاد و مطالعات فرهنگی را به‌طور روشمند شامل شود، هستیم. در تبیین نظری از چگونگی توسعه و چرایی عدم توسعه، لازم است از تک‌سبب‌بینی و تقلیل‌گرایی در شیوه تبیین پدیده‌ها و امور اجتناب شود. بر همین اساس، رابطه حکومت و توسعه در ایران را نمی‌توان خطی و تک‌سببی دید. مختصات سرزمینی ایران، چه دوره‌های نسبتاً طولانی و به‌صورت مکرر اقتدار سیاسی منشا در تهاجم از بیرون داشته است، تهاجم چه نظامی چه دیسپهای (کودتا). نتیجه استقرار این حکومت‌ها چه در فرایند به‌قدرت‌رسیدن و چه در نتیجه انحطاط درونی و این‌نظام‌ها، تخریب و ویرانی بوده است.



بهاروند در جریان دیدار با رئیس‌جمهور آمریکا در کاخ سفید

موضع‌گیری روانچی در پی تهدیدهای توییت‌ری رئیس‌جمهور آمریکا انجام می‌شود. یکی از رسانه‌های آمریکا به‌تازگی مدعی شد ایران به‌دنبال ترور سفیر آمریکا در آفریقای جنوبی به‌عنوان «انتقام» ترور فرمانده نیروهای قدس سپاه ایران توسط ایالات متحده است. این ادعا البته از سوی مقامات ایران و نیز آفریقای جنوبی رد شده است اما دونالد ترامپ در واکنش به این گزارش گفت: «هر حمله از سوی ایران به هر شکلی علیه آمریکا هزار برابر پاسخ داده می‌شود». محمدجواد ظریف، وزیر

خارجه ایران، در پاسخ به این موضع‌گیری ترامپ در توییت نوشته بود: «دروغ‌گوی همیشگی با طرح هشدارِی دروغین، دونالد ترامپ را گمراه کرد تا دشمن شماره یک داعش [سردار قاسم سلیمانی] را ترور نماید. هم‌اکنون وی تلاش دارد از طریق ارائه هشدار دروغین جدیدی، ترامپ را به مادر تمامی باطلاقی بکشاند و فریب دهد. منبع پولیتیکو: «مقامات آمریکایی»، منبع ترامپ: «گزارش جراید». زمان بیدار شدن است!.

اولیانوف؛ هیچ‌کس تلاش‌های آمریکا را نمی‌پذیرد

نماینده روسیه در سازمان‌های بین‌المللی در وین محورها و نتایج مذاکرات در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی درباره برنامه هسته‌ای ایران را بیان کرد. به گزارش ایسنا، میخائیل اولیانوف، درباره محور مذاکرات در جلسه شورای حکام درباره ایران در توییت نوشت: «چهار نکته اصلی که در مذاکرات شورای حکام آژانس درباره راستی‌آزمایی در ایران مطرح شد؛ حمایت از آژانس، حمایت از توافق هسته‌ای، باید حفظ شود، ضرورت بازگشت ایران به پایبندی کامل (به تعهدات هسته‌ای)، ابراز تأسف از موضع آمریکا». اولیانوف همچنین نوشت: «مذاکرات در شورای حکام آژانس نشان می‌دهد که عملاً هیچ‌کسی تلاش‌های مضحک آمریکا برای نشان‌دادن خود به‌عنوان عضوی خودخوانده از توافق هسته‌ای را نمی‌پذیرد. واشنگتن خود را در سال ۲۰۱۸ با خروج از توافق هسته‌ای از موقعیتش محروم کرد».

دخالت قدرت‌های خارجی و موقعیت سوق‌الجیشی در بحبوحه جنگ اول و میراث شوم استبداد هرکدام به نحوی در ناتمام‌ماندن و سپس مصادره‌شدن آن ازسوی نیروی زور مدرن در ایران، یعنی ارتش قزاق و تأسیس یک استبداد جدید با اِبرار فکری، نامیونالیسم باستانی و نظامی‌گری مدرن مؤثر بوده‌اند. ازاین‌جهت مشروطه که برای محدودکردن قدرت شکل گرفت درنهایت به استقرار قدرت خشن جدیدی، یعنی سلطانیسم پهلوی منتهی شد. در این تجربه تاریخی درس‌های بسیاری برای دغدغه توسعه در ایران نهفته است. از افول مشروطه به بعد ایران در جنگال سرمایه‌داری نظام جهانی، به‌قول ولارشتاین، گرفتار شده است. تا تکلیف خود را با این نظام مشخص نکند، مسیر توسعه در ایران همچنان سنگلاخ و پرمخاطره باقی خواهد ماند.

ایران امروز؛ الگوی چهارمی از انقلاب

از طرف دیگر، در کشورهای دموکراتیک غرب، خشونت انقلابی (و اشکال دیگر خشونت) جزئی از روندی را تشکیل می‌داد که تحولات صلح‌آمیز بعدی را ممکن می‌کرد. در کشورهای کمونیستی نیز خشونت انقلابی برای گسستن از گذشته‌ای پر از جور و بیدادگری لازم بوده است، قاعدا تا ایران امروز جزء نمونه‌های انقلابی است هرچند نوع چهارمی از انقلاب محسوب می‌شود. این الگوی چهارم را بعد از برینگتون مور شاکرد او است اسکاچپول، تبیین کرد. نکته مهم در این رابطه این بود که تغییر مور هزینه عدم وقوع انقلاب همیشه برای مردمان بسیار بوده است، چه اینکه کشورها عقب‌مانده‌ای که با انقلاب مواجه نشده‌اند، دچار مشکلات بسیاریند. این در حالی است که در کشورهای دموکراتیک غرب، خشونت انقلابی (واشکال دیگر خشونت) جزئی از روند نوسازی و تحولات اجتماعی بعدی بوده است.

ک به نظر شما و با ابتدا به سه پرسش فوق، آیا ایران از مسیری آمرانه یا اقتدارگرایانه به توسعه نائل خواهد آمد یا وجود یک حکومت مشروط، محدود و مقید به قوانین، برای نیل به توسعه، ضروری و ناگزیر است؟

در توسعه، عاملیت شهروندان اولویت دارد
این پرسش را فقط می‌توان پاسخ تنوریک داد؛ پاسخ تنوریک نیز همچون گذشته نمی‌تواند تک‌سبب‌بین و تکررشته‌ای باشد. بدیهی است که هر نظریه‌پردازِی برای توسعه در ایران به نقش موانع توسعه، ازجمله انحطاط سیاسی و نه حکومت آمرانه یا مشروطه پیوند خورده است؛ چه نظام‌های لیبرال دموکرات و چه نظام‌های اقتدارمحور. امروزه در ساختار سرمایه‌داری متأخر به محدودکردن نقش و جایگاه شهروندان در فرایند تصمیم‌گیری و در راهبردهای توسعه پرداخته‌اند. شکل حکومت نسبت به نقش شهروندان عاملی ثانوی است. البته این موضوعات نیازمند تلاش‌های نظری معطوف به بهبود زندگی هستند، ما نیازمند نظریه‌های هنجاری (بهترسازی) زیست جهان خود هستیم و توسعه‌ای که از سو و محدودیت حکومت و دولت با قوانین فقط یک وجه آن است.

به قول برینگتون مور، در روند نوسازی جامعه یا جلوگیری از آن، معمولاً تصوراتی درباره جامعه خوب و آرمانی مطرح می‌شود. چه اینکه مسلماً همیشه عامل واسطی میان انسان‌ها و وضعیت‌های عینی وجود دارد که معمولاً بخشی از وضعیت عینی را در برده کند می‌دارد و برخی دیگر را مورد تأکید قرار می‌دهد.

قوت لایموت آنها را نیز به تاراج می‌برد. مالک در شهر می‌زیست و کشاورز با رنج و زحمت از زمین و محصول محافظت می‌کرد. این قضیه در بعد از مشروطه با مسئله ورود کالاهای کشاورزی خارجی، مثلاً برنج آمریکایی با شیوه دامپینگ، یعنی فروش کالا زیر قیمت واقعی آن، برای مدتی تا کالای محلی - ایرانی توان رقابت را نداشته باشد و از بازار بیرون رانده شود، بلیه دیگری برای کشاورز ایرانی شده است. بدیهی است که در این وانفسا، ساختار منخط قدرت چه در قاجار و چه در پهلوی به‌جز افزودن بر رنج مردمان کاری برای تغییر این وضعیت و بهبود اوضاع انجام نمی‌دادند. برنامه‌های توسعه همچنان گرفتار گزاندنشی حاکمان بود - آن‌گونه‌که از خودمحوری پادشاه در تعیین خط‌مشی‌های توسعه روایت شده است - که کشور را با تنگناهای گوناگون مواجه می‌کرد.

ک برینگتون مور در کتاب خود با عنوان «ریشه‌های اجتماعی دیکتاتوری و دموکراسی»، با بررسی تطبیقی شش کشور بزرگ، نشان می‌دهد که انقلاب‌های بورژواپی (بریتانیا، فرانسه، آمریکا)، ارتجاعی/فاشیستی (مدل انقلاب بالا) (آلمان و ژاپن قبل از جنگ دوم) و دهقانی/ کارگری (رژیم‌های کمونیستی همچون چین و روسیه) چگونه شکل گرفته‌اند و نقش وضعیت و طبقات اجتماعی در آنها چه بوده است. او اساس تمام راه‌های نوسازی را در سه نوع انقلاب بورژواپی، کمونیستی و انقلاب از بالا می‌بیند. از این حیث آیا می‌توان تحولات انقلاب مشروطه ایران را در ذیل یکی از انواع انقلاب موردنظر برینگتون مور قرار داد؟

برینگتون مور براساس پژوهش‌های عمیق و گسترده‌ای که در چارچوب دیسیپلین در حال شکل‌گیری جامعه‌شناسی تاریخی انجام داده است در اثر ماندگار خود، یعنی «ریشه‌های اجتماعی دیکتاتوری و دموکراسی»، به نتایج مهمی در زمینه توسعه رسیده است که متأسفانه در ایران عمدتاً مورد استفاده برای بحث توسعه سیاسی است، درحالی‌که توسعه به معنای تام آن موردنظر بوده است. مور در این اثر نهائیتاً به نقش تاریخ انقلابات برای شکل‌گیری روند توسعه تأکید دارد. نتایج پژوهش مور که بر واقعیات تاریخی مبتنی است، ناقض طرح‌های فانتزیی مثل پنج مرحله رشد روستو است، چه اینکه روستو انباشت سرمایه در اروپا را به‌صورت یک فرایند درون‌زا به تصویر می‌کشد، درحالی‌که این نقره و طلای سرزمین‌های چپاول‌شده آمریکای لاتین و برده آفریقایی بود که انباشت سرمایه در اروپا و آمریکا را ممکن کرد؛ بنابراین، این انقلاباتی چون انقلاب انگلستان و فرانسه و چین و روسیه بوده‌اند که سرمشا نوسازی و توسعه بوده‌اند نه تحولات تدریجی. در حقیقت به تعبیر مور، «هزینه ناشی از عدم وقوع انقلاب همیشه بسیار گران تمام شده است و مصیبت‌هایی که بر قربانیان فاشیسم و جنگ‌های فاشیستی گذشته است، نتیجه نوسازی بود که انقلاب واقعی بوده است». مور تأکید دارد که بیشتر کشورهای عقب‌مانده جهان با انقلاب مواجه نشده‌ند و ازاین‌رو امروزه دچار مشکلات بسیاری هستند. این بصیرت‌های تاریخی- تنوریک گویای حقایق مهمی برای رابطه قدرت سیاسی با توسعه است. آنچه در این زمینه درباره مشروطه می‌توان گفت این است که عملاً مشروطه یک انقلاب ناتمام، یا به قول آقای دکتراکبری، مورخ ایرانی، یک پروژه ناتمام بوده است.